فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری
Journal of Research in Management and Accounting
دوره جدید، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۷، صص۲۳۶-۲۰۹ New Period. No 12. 2018, p 209-236
شماره شاپا (۳۵۹۳-۲۵۸۸) ISSN: (2588-3593)

نقش حساب‌های قرض الحسنه در بهره‌وری و توسعه اقتصادی کشور

غلامعلی حاجی[1]. کیومرث کمالوند[2]
۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی اراک. ایران
۲. کارشناسی ارشد اقتصاد. ایران

چکیده
در ادبیات اقتصادی سرمایه به منزله رگ حیات یک نظام اقتصادی تلقی شده و بر تشکیل آن به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی تأکید زیادی شده است. میزان رشد و توسعه اقتصادی در گرو انباشت و بهره‌وری اقتصاد است و این دو به چگونگی فرآیند سرمایه‌گذاری بستگی دارد. ابزارهای مالی اسلامی نقش بزرگی در رشد و توسعه بانکداری و بازار سرمایه اسلامی و سهم به سزایی در رسیدن به اهداف والایی که شریعت مقدس اسلامی برای حوزه اقتصادی و معیشتی جوامع اسلامی در نظر گرفته است، ایفا می کند. لذا در این مطالعه با تأکید بر پتانسیل‌های بالقوه نقش عقود اسلامی به ویژه قرض الحسنه در تامین مالی اسلامی، به بررسی راه‌های تأثیرگذاری این عقود بر بهره‌وری، رشد و توسعه اقتصادی پرداخته شده است. حساب‌های قرض الحسنه اساساً با هدف فراهم آوردن شرایطی برای رفع مشکلات مالی افراد نیازمند بر اساس عقود اسلامی بدون تعیین سود و یا بهره از پیش تعیین شده است، به همین خاطر در سیستم بانکی کشور به اتکای اصول بانکداری اسلامی همواره تلاش می‌گردد مازاد درآمد مردم تحت عنوان حساب‌های قرض الحسنه جذب گردد تا نظام بانکی بتواند مازاد درآمد مورد نیاز مردم را به عنوان وام قرض الحسنه به دیگر افراد واگذار نماید. لذا در راهبردهای توسعه از کانال توزیع مجدد خصوصا راهبرد تأمین نیازهای اساسی، نهاد قرض الحسنه می‌تواند به عنوان ابزار مفید و کارا عمل کند. چنانکه در ادبیات مربوط به این راهبرد با صراحت بر قرض‌های بدون بهره و کم بهره تأکید شده است.

واژه‌های کلیدی: قرض الحسنه، بهره وری، مدیریت، اقتصاد، مالی اسلامی.

۱. مقدمه

یکی از اهداف اساسی کشورها دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و توسعه می‌باشد. در ادبیات اقتصادی سرمایه به منزله رگ حیات یک نظام اقتصادی تلقی شده و بر تشکیل آن به عنوان مهم‌ترین عامل تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی تأکید زیادی شده است. میزان رشد و توسعه اقتصادی در گرو انباشت و بهره‌وری اقتصاد است و این دو به چگونگی فرآیند سرمایه‌گذاری بستگی دارد. در زمینه رشد و توسعه اقتصادی به مؤسسات پولی و اعتباری و بازار اوراق بهادار که ارکان اصلی بازارهای مالی هستند، می توان اشاره کرد که این مؤسسات نقش به‌سزایی را در تأمین سرمایه‌های اقتصادی و بهره‌وری دارند. یکی از عوامل مهم در رشد و توسعه تجاری بنگاه ها، ارتقای کارایی و بهره‌وری است و این امر مستلزم تخصیص بهینه منابع و عوامل تولید بوده که مهمترین رکن تعریف علم اقتصاد است.

ابزارهای مالی، بازارهای مالی و مؤسسات مالی اجزای یک نظام مالی را تشکیل می‌دهند که وظیفهٔ انتقال وجوه مازاد را در جامعه به جاهایی که کمبود منابع مالی وجود دارد به عهده دارند. اگر ارکان فوق در یک جامعه به درستی شکل گیرد زمینه رشد اقتصادی فراهم شده‌است. کشورهای پیشرفته که از نظام مالی پیشرفته استفاده می‌کنند، توانسته‌اند با هدایت صحیح منابع مالی به رشد اقتصادی دست یابند. توسعهٔ نظام مالی در یک کشور بدون در نظر گرفتن شرایط بومی کشور میسر نمی‌باشد؛ از این رو، توجه به دستورات اسلامی در زمینه امور مالی به ویژه حرمت ربا در تأسیس یا کارآیی یک نظام مالی در ایران به عنوان یک کشور اسلامی ضروری محسوب می‌شود.

نظام مالی در جهان از دهه ۱۹۵۰ به سرعت توسعه یافته‌است. وجود«نرخ بهره ثابت» محور اصلی این نظام می‌باشد بطوری که ابزارها و بازارهای مالی رایج در دنیای غرب عمدتاً مبتنی برسیستم نرخ بهره تضمینی و ثابت می‌باشد. بکارگیری نظام مالی اقتصاد سرمایه داری در کشورهای اسلامی با تردیدهای جدی همراه است. آن دسته از کشورهای اسلامی که از نظام مالی متعارف در کشورهای خود استفاده کرده‌اند، توفیق چندانی به دست نیاورده‌اند. در حال حاضر، تمایلات قابل توجهی در مردم و دولت‌های اسلامی برای مراجعه به دستورات اسلامی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی پدید آمده‌است. برخی از کشورهای بزرگ مانند عربستان و مالزی مطالعاتی را در زمینهٔ نظام مالی اسلامی انجام داده‌اند و گام‌هایی را در این خصوص برداشته‌اند(پیروز و همکاران، ۱۳۸۴).

ابزارهای مالی اسلامی نقش بزرگی در رشد و توسعه بانکداری و بازار سرمایه اسلامی و سهم به سزایی در رسیدن به اهداف والایی که شریعت مقدس اسلامی برای حوزه اقتصادی و معیشتی جوامع اسلامی در نظر گرفته است، ایفا می‌کند. با اندکی تامل در نظام های مالی اسلامی پی می‌بریم که این نظام ها به دلیل اهداف و فلسفه وجودی خود و حرمت ربا در اسلام، استفاده از ابزارهای مالی متعارف را جایز نمی دانند و در تلاش برای ایجاد ابزارهای مالی اسلامی هستند (لشکری و بهزاد ارجمندی، ۱۳۹۱: ۳۳).

همزمان با گسترش بازارهای مالی اسلامی، طیف وسیعی از ابزارهای منطبق با قوانین و مقررات اسلامی نیز طراحی شد که یکی از رایج‌ترین ها، عقود اسلامی نام دارد. بانک‌ها با در اختیار داشتن بخش عمده ای از پول کشور، نقش بسیار مهمی در اقتصاد جامعه بازی می کند و به واسطه این نقش حساس، دولت‌ها با نظارت بر بانک ها از آن‌ها به عنوان اهرم نیرومندی در نیل به اهداف و برنامه های اقتصادی خود استفاده می نمایند. در نظام های کنونی جهان، فعالیت اکثر بانک‌ها ربوی است و حتی در غالب کشورهای اسلامی نیز وضع به همین قرار است. پس از پیروزی انقلاب، لزوم استقرار نظام اقتصاد اسلامی بعنوان یکی از ضرورت‌های اساسی کشور مطرح شد تا با حذف ربا از سیستم بانکی، بنیان یک اقتصاد توحیدی مبتنی بر قسط و عدل برقرار شود (خاکی، ۱۳۹۲: ۱).

در دنیای امروز میزان بهره‌گیری مطلوب و بهینه از منابع و امکانات موجود در جهت نیل به اهداف اقتصادی یکی از معیارهایی است که درجه توسعه‌یافتگی جوامع را نمایان می‌سازد. بهره‌وری در استراتژی توسعه اقتصادی کشورها، امروزه جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است، به گونه‌ای که هم در سطح خرد و هم در سطح کلان تمامی گروه‌های مختلفی که در ارتباط با مسایل اقتصادی قرار دارند و انگیزه‌های رشد و ترقی را در فکر می‌پرورانند، توجه خاصی بدان دارند.

بهره‌وری به عنوان معیار بهبود وضعیت اقتصادی هم در مؤسسات تولیدی و خدماتی و هم در سطح فعالیت‌های بخش‌های مختلف اقتصادی و کل اقتصاد، مورد توجه قرار دارد. برخلاف معیار سود که تا مدت‌ها تصور می‌شد نشان‌دهنده کارآیی و عملکرد مثبت یک واحد تولیدی و خدماتی می‌باشد، در حالی که تحت تأثیر شدید قیمت‌های کالاهاو خدمات قرار دارد، بهره‌وری به دور از نوسانات قیمت در بازار، قدرت انعکاس واقعیات و درجه موفقیت واحدهای تولیدی و خدماتی را دارا می‌باشد. اهمیت بهره‌وری در افزایش رفاه ملی، امروزه، به طور عام پذیرفته شده است. تمام فعالیت‌های انسانی از بهبود بهره‌وری منتفع می‌گردد. افزایش در محصول ناخالص ملی(**GNP**) ، بیش‌تر بر اثر بهبود در میزان بهره‌مندی مطلوب از منابع به وجود می‌آید، تا به کارگیری کار و سرمایه اضافی. همچنین افزایش بهره‌وری مستقیماً بر سطح زندگی مؤثر است، زیرا سهم مشارکت گروه‌های ذی‌نفع از دستاوردهای حاصل از بهره‌وری چنانچه توزیع صحیحی انجام گیرد در رفاه اجتماعی تأثیر قابل ملاحظه‌ای خواهد گذاشت.

در میان دستورالعمل‌های شرعی دین مقدس اسلام به تعالیمی برخورد می‌کنیم که تا حد زیادی مفهوم بهره‌وری را در ذهن متجلّی می‌سازند. به عنوان مثال می توان از این تعالیم نام برد: نهی از اسراف و تبذیر، حقوق افراد نسبت‌به یکدیگر، ناظر بودن خدا بر اعمال، اعتقاد به معاد، احکام مربوط به زمین‌های بایر، مساوی‌نبودن دو روز یک مسلمان، نهی از کفران نعمت، اهمیت رشد و توسعه.

از سال ۱۳۶۳ که قانون عملیات بانکی بدون ربا در سیستم بانکداری ایران اجرا شد. یکی از مهمترین اهداف این قانون، حذف ربا در سیستم بانکی و اثرگذاری اعتبارات بر رشد اقتصادی از طریق برتری مشارکت پول در سرمایه است. عقود اسلامی این قابلیت را دارند تا از طریق ثبات مالی، مشارکت در سود

و زیان، افزایش حجم پس انداز و سرمایه گذاری، رونق در بازارهای مالی، تنوع عقود اسلامی و تامین مالی خرد با بهبود کارایی تخصیص سرمایه، توسعه بنیان های تولیدی، تجهیز پس اندازهای کوچک و پراکنده و ابداعات تکنولوژیکی رشد اقتصادی را به صورت درون زا متاثر نماید (ابوترابی، فنودی و مجتهدی، ۱۳۹۳: ۸۳).

تامین مالی اسلامی کارکردهای زیر را به همراه دارد:

۱) بهترین شیوه تامین سرمایه پروژه ها و فعالیت های اقتصادی بزرگ است که خارج از توان مالی یک فرد یا یک شرکت و حتی یک دولت است.

۲) راهکار بسیار خوبی برای سرمایه گذارانی است که در پی سرمایه گذاری مازاد منابع مالی خویش هستند و در عین حال مایلند منابع خود را در صوت نیاز به آسانی باز پس گیرند.

۳) شیوه بسیار خوبی برای مدیریت نقدینگی است، بانک ها و موسسات مالی می توانند با یاری گرفتن از آن، نقدینگی خود را مدیریت کنند.

۴) ابزار بسیار مناسبی برای مدیرت ریسک و نااطمینانی، برای فعالان اقتصادی است که می توانند با ابزارهای مالی اسلامی پرتفوی سرمایه گذاری خود را گسترده کنند.

۵) وسیله بسیار مناسبی برای توزیع عادلانه ثروت و درآمدهاست. سرمایه گذاری از طریق این ابزارها موجب می شود ثروت و درآمد در گستره وسیعتری و بدون آنکه در اختیار عده محدودی از ثروتمندان قرار گیرد، تقسیم شود (لشکری و بهزاد ارجمندی، ۱۳۹۱: ۳۳).

قرض‌الحسنه در اقتصاد اسلامی جایگاهی والا دارد. پاداش اخروی، کسب اخلاق پسندیده، نوعدوستی، پس‌انداز و جایزه، از انگیزه‌های قرض‌دهنده شمرده شده است. نیازمند بودن نیز ویژگی وام‌گیرنده است. قرض‌الحسنه با طلب سود نمی‌سازد و ربای قرضی یکی از انواع رباست. حرمت ربا نیز از احکام تردیدناپذیر اسلام است. قرض‌الحسنه در زمان انعقاد قرض و نیز در زمان بازپرداخت آن، آدابی دارد که به هریک از طرفین مربوط می‌شود و یا میان آن‌ها مشترک است. میان قرض‌الحسنه و سایر نهادها از جمله صدقه دولت اسلامی و دیگر عقود ترابطی ویژه وجود دارد. نهاد قرض‌الحسنه می‌تواند در دو سامانهٔ تعاون و معاونت به اجرا درآید. در نظام اقتصادی اسلام، تأمین اجتماعی از دو راه کفالت عمومی و مسئولیت دولت تحقق می‌یابد. اما قرض هم می‌تواند از ابزارهای مهم جذب منابع برای تأمین اجتماعی در بخش کفالت همگانی شمرده شود. در این حال، عدالت اجتماعی برقرار می‌شود. توازن اجتماعی نیز از اصول مهم نظام اسلامی است. اسلام با فقر و فاصلهٔ نامتعادل طبقاتی مخالف است. در این میان، قرض می‌تواند نقش مهمی در کاهش فاصلهٔ طبقاتی و رفع فقر نسبی ایفا کند. قرض‌الحسنه آثاری اقتصادی نیز درپی دارد. قرض می‌تواند بر مصرف اثر نهد و به‌عنوان یک تثبیت‌کنندهٔ خودکار اقتصادی مطرح شود. قرض بر پس‌انداز نیز تأثیر می‌گذرد، اما این اثرگذاری در انواع مختلف قرض، همچون قرض مصرفی و تولیدی و خصوصی و دولتی، متفاوت است. یکی از آثار مهم قرض به جریان افتادن وجوه راکد است و افزایش

تقاضای کل و تولید کل، نتیجهٔ مهم این پدید شمرده می‌شود. قرض از طریق تأثیر بر پس‌انداز ملی، بر تثبیت اقتصادی اثر می‌نهد و می‌تواند از شدت تورم یا رکود جلوگیری کند. افزایش کارآیی اقتصادی، تخصیص منابع مناسب، توسعهٔ اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی، از دیگر آثار اقتصادی قرض است. از سوی دیگر، قرض با مبانی توزیع درآمد در اسلام هماهنگی کامل دارد و نیز شاخص‌های یک سیستم توزیع مطلوب را داراست. قرض برپایهٔ پولی اثری نمی‌نهد و بر ضریب تکاثری پول نیز اثری ندارد. سپردهٔ دیداری یا حساب جاری هم نقش عمدهای در فعالیت‌های این نهاد ندارد. دیگر آن که فعالیت نهاد قرض، مشمول پدیدهٔ خلق پول نمی‌شود؛ زیرا در نهاد قرض حساب جاری نقش عمدهای ندارد و ضریب رجحان نقدینگی متمایل به یک است. البته جذب قسمتی از پایهٔ پولی توسط نهاد قرض، موجب می‌شود از ذخیرهٔ مازاد بالقوهٔ بقیهٔ مؤسسات پولی که قابلیت تحقق روند خلق پول را دارند کاسته گردد. بنابراین، بانک مرکزی می‌تواند مدیریت افزون‌تری بر جریان پول داشته باشد. قرض تأثیری بر عرضهٔ پول ندارد، اما گردش پول را شتاب می‌بخشد و اسباب رونق اقتصادی را فراهم می‌آورد. البته آنچه اکنون در بانکداری بدون ربا به‌عنوان قرض‌الحسنه مطرح است، با ماهیت قرض‌الحسنه فاصله دارد.

شیوه تخصیص منابع در بانکداری از جمله وجوه تمایز بین نظام های اقتصادی است. در نظام اقتصادی اسلام به لحاظ تفکیک ناپذیری بازار پول از بازار سرمایه بهره حذف شده و در مقابل تاکید بر مشارکت بین فعال اقتصادی و تامین کننده مالی است که طرز عمل متفاوت، اثرات متفاوتی در سطح کلان بر شاخص اقتصادی خواهد گذاشت (منفرد، ۱۳۹۲: ۲).

با توجه به آنچه گفته شد اهمیت اساسی اعتبارات از تأمین سرمایه لازم برای انجام پروژه‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای درحال توسعه نشأت می‌گیرد. وقتی اعتبارات بانکی گران و کمیاب می‌شود، تقاضای کل در اقتصاد کاهش یافته، منجر به افزایش بیکاری و کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. همین‌طور به لحاظ آن که سپرده‌های بانکی مهم‌ترین قسمت عرضه پول ملی را تشکیل می‌دهند و منشأ سپرده‌ها نیز اعتبارات بانکی است، بنابراین بخش بسیار بزرگی از سرمایه مورد نیاز واحدهای تولیدی توسط سیستم بانکی به صورت تسهیلات بانکی تأمین می‌شود. لذا عملکرد این سیستم در میزان تولید، رونق اقتصادی و قیمت تمام شده کالاها بسیار تأثیرگذار است. از طرف دیگر، در سال‌های اخیر شاهد واکنش شدید اقتصاد ایران به سیاست‌گذاری‌ها و تغییرات دستوری بازارهای مالی هستیم. این موضوع نقش برجسته بازارهای مالی را در اقتصاد ایران گوشزد می‌کند.

با توجه به این نکته که اقتصاد ایران، اقتصادی بانک محور است و بیش از ۹۰ درصد تامین مالی در اقتصاد کشور از طریق شبکه بانکی انجام می‌شود، فعالیت و تلاش در جهت افزایش بهره‌وری سیستم بانکی می تواند زیر ساختی برای افزایش بهره‌وری اقتصاد کشور و دستیابی به رشد ۸ درصدی باشد.

به دلایل ذکر شده در بالا، در این مطالعه با تأکید بر پتانسیل‌های بالقوه نقش عقود اسلامی به ویژه قرض الحسنه در تامین مالی به بررسی راه‌های تأثیرگذاری این عقود بر بهره وری، رشد و توسعه اقتصادی

پرداخته می‌شود. در ادامه، ابتدا مطالعات تجربی بیان شده، سپس ویژگی های بانکداری اسلامی مورد تحلیل قرار می گیرد. در بخش چهارم ارتباط قرض الحسنه با راهبردهای توسعه تبیین می‌شود، و در نهایت نتیجه گیری مطالعه ارائه خواهد شد.

۲. پیشینه تجربی

۱. ۲. مطالعات داخلی

فراهانی فرد و همکاران(۱۳۹۴) به بررسی تاثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران طی دوره‌ی زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۲ (رهیافت گشتاور تعمیم یافته(**GMM**) پرداختند. یافته‌های تجربی نشان داد که تمامی متغیرهای توضیحی مورد استفاده در مدل اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. هم‌چنین مؤسسات مالی بانکی در مقایسه با مؤسسات مالی غیربانکی اثر بیشتری بر رشد اقتصادی دارند.

موسویان و ورمزیاری(۱۳۹۳) به بررسی ارتباط بین تأمین مالی بانکداری بدون ربا و رشد اقتصادی در ایران با استفاده از داده های فصلی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ با استفاده از روش مدل خودهمبسته با وقفه های توزیعی(**ARDL**) پرداختند. بر اساس نتایج بدست آمده، ضرایب تأمین مالی بانکداری اسلامی و انباشت سرمایه بانک ها به ترتیب برابر با ۰/۱۵ و ۰/۲۴ هستند که نشان می دهند یک واحد افزایش در هر یک از این شاخص ها به ترتیب به ۰/۱۵ و ۰/۲۴ واحد افزایش در رشد اقتصادی می انجامند. نتیجه های حاصل نشان‌دهنده اثر معنادار بانکدار ی بدون ربا بر روی رشد اقتصادی در ایران است.

ابوترابی، فنودی و مجتهدی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان « عقود اسلامی، تعمیق مالی و رشد اقتصادی » به بررسی شاخص های تعمیق مالی در ایران می پردازد، همچنین ارتباط میان عقود اسلامی، تهمیق مالی و رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار می دهد و بیان می کند که عقود اسلامی می تواند رشد اقتصادی را به صورت درون زا تحت تاثیر قرار دهد.

منفرد (۱۳۹۲) بررسی اثر عقود اسلامی بانکداری بدون ربا بر نرخ رشد سرمایه گذاری و سطح اشتغال در ایران پرداخته و به این منظور از داده های بانکداری بدون ربا که در سال ۱۳۶۳ آغاز شده تا سال ۱۳۹۱ برای ارزیابی اثر بکارگیری عقود بر نرخ رشد سرمایه گذاری به روش **ARDL** و به روش علیت گرینجری بر اشتغال، مورد استفاده قرار گرفته است. در مجموع می توان گفت رابطه عقود بر اشتغال رابطه علیت دو طرفه بوده است و تاثیر عقود بر نرخ رشد سرمایه گذاری منفی و بیشترین تاثیر منفی از طریق عقد اجاره به شرط تملیک بر نرخ رشد سرمایه گذاری وارد می شود.

تورچی و خاکی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان « الزامات تحول از بانکداری بدون ربا به بانکداری اسلامی» بیان می کند به دلیل مشکلات نظری این نظام نتوانسته است رشد اقتصادی مناسب را برای کشور به ارمغان بیاورد.

لشکری و بهزاد ارجمندی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان « بررسی روش های تامین مالی در سیستم اسلامی با تاکید بر صکوک » به روش توصیفی – تحلیلی و با استفاده از تجربه سایر کشورهای اسلامی صکوک را به عنوان اوراق بهادار اسلامی معرفی می کند، کاربرد صکوک را در مدیریت ریسک و کنترل نقدینگی بررسی نموده و در نهایت صکوک کاربردی در اقتصاد ایران را شناسایی می کند. این تحقیق نشان می دهد صکوک می تواند ابزاری مناسب جهت مدیریت ریسک و نقدینگی باشد.

صمصامی و توکلی(۱۳۹۱)، به بررسی تاثیر اجرای بانک‌داری بدون ربا بر سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران پرداختند. نتایج این بررسی که با استفاده از روش رگرسیون انجام شده، نشان داد که ابلاغ قانون بانک‌داری بدون ربا اثر معنا داری بر متغیرهای سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران نداشته است. همچنین، بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که این ناکارامدی ناشی از عدم عمل به مفاد قانون است.

پورفرج و علیزاده (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان «ارزیابی درجه تمرکز اعتبارات در عقود اسلامی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران » بیان می کند که تمرکز در اعتبارات بیش تر به سمت عقود مبادله ای با نرخ ثابت است و عقود مشارکتی در درجه دوم قرار دارد و رابطه میان اعتبارات بانکی عقود مبادله ای بر رشد معنی دار نبوده و باید تمرکز اعتبارات به سمت عقود مشارکتی برود.

موتمنی (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان « بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران » بیان می کند که هر چند اطلاعات داده ها حاکی از بهبود توسعه مالی در سال های اخیر می باشند ؛ اما وضعیت توسعه مالی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه مطلوب نمی باشد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که در اقتصاد ایران، رشد اقتصادی موجب بهبود توسعه مالی می شود، در حالی که شواهد اماری، رابطه علی عکس را تایید نمی کند.

سلمانی و امیری (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان « توسعه مالی و رشد اقتصادی: مورد کشورهای در حال توسعه » بیان می‌کنند که در دوره مورد بررسی توسعه مالی تاثیر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه داشته است و افزودن سایر متغیرهای موثر بر رشد اقتصادی، تاثیری بر نتایج تحقیق ندارد و نتایج تحقیق از استحکام برخوردار است.

عصاری، ناصری و آقایی (۱۳۸۷) در مقاله ای با عنوان «توسعه مالی و رشد اقتصادی ؛ مقایسه کشورهای نفتی اوپک و غیر نفتی در حال توسعه» بیان کردند که توسعه مالی کشورهای عضو اوپک نه تن‌ها منجر به رشد اقتصادی نمی‌شود، بلکه اثر منفی بر آن دارد. نحوه غلط آزادسازی بازارهای مالی، ضعف مدیریت نظام مالی و عدم شکل گیری بازارهای مالی، ضعف مدیریت نظام مالی و عدم شکل گیری بازارهای مالی منسجم و بهره مند از مقررات در کشورهای عضو اوپک موجب کاهش کارایی سرمایه گذاری از طریق تخصیص غیر بهینه منابع می شوند و در نهایت اثر نامطلوبی بر رشد و توسعه این کشورها دارند.

نظیفی(۱۳۸۳) بررسی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی را با استفاده از متغیر سهم اعتبارات اعطاء شده مورد مطالعه قرار داد که نتایج مطالعه نشان داد توسعه مالی توسط نظام بانکی به بخش خصوصی از رشد اقتصادی به دلیل نحوه آزادسازی بازارهای مالی و ضعف مدیریت نظام مالی منسجم و بهره مند از مقررات دارای اثر منفی است.

شیوا (۱۳۸۰) در مقاله ای با عنوان « اثر تامین مالی در دراز مدت بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران » بیان می‌کند که ضعف بازار سهام در مقابل بازارهای پولی، بازده بالاتر و ایمنی بیشتر بخش پولی، چیرگی بخش دولتی در بازار پول، پر ریسک بودن بازار سرمایه در ایران، فقدان شرایط رقابتی و اطلاعات نامتقارن. از دیگر دلایل بانک پایه بودن نظام مالی ایران است.

۲. ۲. مطالعات خارجی

کاسیم[1](۲۰۱۵) به بررسی نقش بانکداری و مالی اسلامی در فعالیت‌های اقتصادی واقعی در مالزی پرداخته است. به منظور بررسی تجربی تاثیر مالی اسلامی بر عملکرد شاخص‌های عمده اقتصاد کلان، این مطالعه با استفاده از روش **ARDL** بر روی داده های سه ماهه طی دوره از سال ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۱۳ متمرکز شده است. نتایج نشان داد که امور مالی اسلامی سهم مهمی در اقتصاد واقعی از طریق نقش واسطه گری مالی در ادغام و هدایت وجوه به فعالیت های سرمایه گذاری دارد.

حسن اف و حسین اف[2](۲۰۱۳)، در مقال‌های تحت عنوان "اعتبارات بانکی و رشد اقتصاد غیرنفتی: شواهدی از آذربایجان" با استفاده از سه روش آزمون کرانه‌ها **ARDL**، انگل-گرنجر و جوهانسون و در طی دوره زمانی ۲۰۰۳-۲۰۰۰ نشان دادند که در هر سه روش هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت اعتبارات بانکی تأثیری مثبت بر تولید بخش‌های قابل تجارت غیرنفتی دارند.

فوزی[3](۲۰۱۲) در مطالع‌های به بررسی تأثیر انتشار اوراق بهادار اسلامی بر ارزش شرکت‌ها در دو کشور مالزی و اندونزی پرداخته است. تعداد شرکت‌های انتخاب‌شده در کشور مالزی ۸۰ و در کشور اندونزی ۱۴ شرکت است. وی در این مطالعه از معیارهای نظیر بازده مجموع دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، معیار **q** توبین و ارزش‌افزوده اقتصادی به‌عنوان متغیرهای وابسته و تعیین‌کننده ارزش شرکت استفاده کرده است و درنهایت تأثیرات انتشار اوراق بهادار اسلامی بر هر یک این معیارها می‌سنجد. نتیجه آنکه انتشار اوراق بهادار اسلامی بر تمامی معیارهای فوق تأثیر مثبت و معناداری داشته است و به‌سلامتی مالی و ساختار بهینه سرمایه شرکت‌ها کمک کرده است.

گودرزی فراهانی و داستان(۲۰۱۳)، به تجزیه و تحلیل ارتباط بین تأمین مالی بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی پرداختند. نتایج بدست آمده با استفاده از روش هم‌انباشتگی پانلی (**ARDL** و **VAR**) در

---

1. Kassim
2. Hasanov & Huseynov
3. Fauzi

کوتاه‌مدت و بلندمدت بین تأمین مالی بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. هم‌چنین ارتباط بلندمدت نسبت به کوتاه‌مدت قوی‌تر است.

یوسف و بهلوس[1](۲۰۱۳) با مقایسه موردی کشورهای آسیایی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس **(GCC)** به ارزیابی سهم مالی اسلامی در رشد اقتصادی مالزی، اندونزی و کشورهای منتخب شورای همکاری خلیج فارس، که از قبل شیوه بانکداری اسلامی در آن کشورها به تصویب رسیده است. با استفاده از داده‌های سالانه ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ و به کارگیری هم انباشتگی پانل، تجزیه واریانس و توابع ضربه – واکنش، دریافتند که بانکداری اسلامی به روند رشد این کشورها در کوتاه مدت و بلندمدت کمک نموده است با این حال، در کوتاه مدت، این سهم در مالزی و اندونزی قوی تر از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است.

خوتم و ندرا[2](۲۰۱۲) نشان می دهند که واسطه گری مالی مشارکتی اسلامی می تواند رشد اقتصادی را با حل مشکلات اطلاعات نامتقارن و بر اساس اشتراک گذاری اصل سود و زیان افزایش دهد. همچنین باعث کاهش هزینه های مبادله و اشتراک گذاری خطر و در نتیجه بهینه سازی فرآیند صرفه جویی در سرمایه گذاری شود.

ناگاوکا[3](۲۰۱۱) به بررسی پتانسیل مالی اسلامی برای کمک به رشد اقتصادی اقتصاد مدرن و جهان اسلام پرداخته است. به لحاظ نظری، بررسی ویژگی های متمایز محصولات مالی اسلامی در مقایسه با امور مالی متعارف، امور مالی اسلامی با ادغام بخش پولی به بخش واقعی (سیستم مالی ادغام شده)، همراه است که به عنوان توصیف سیستم مالی جهانی است که با پتانسیل بسیار زیادی دستیابی به توسعه پایدار است. می توان از این استنباط شود که رابطه نزدیکی بین موسسات مالی اسلامی و اقتصاد واقعی وجود دارد که آن‌ها را قادر خواهد کرد هرچه بیشتر به توسعه اقتصادی نسبت به همتای معمولی حرکت نمایند.

کینویرگیس و سمیتاس[4](۲۰۰۷) در بررسی اقتصاد لهستان به این نتیجه رسیدند که اعتبارات و تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی نیروی اصلی رشد اقتصادی است. بر اساس این مطالعات و مطالعات مشابه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر کشوری که از سیستم مالی کاراتری برخوردار است، می‌تواند انتظار نرخ رشد بالاتری را نیزداشته باشد.

طرابلسی[5](۲۰۰۲) نیز در تحقیقی با استفاده از اطلاعات کشور در حال توسعه و با بکارگیری تکنیک داده‌های تابلویی نشان داد که تعمیق مالی نقش جدی در رشد اقتصادی کشورها دارد. براساس نتایج این مطالعه، توسعه مالی نقش مثبتی بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی داشته است که البته لازمه چنین امری وجود یک بخش خصوصی کارآفرین و نوآور است که قادر باشد پس اندازهای جمع آوری

---

1. Yusof and Bahlous
2. Khoutem and Nedra
3. Nagaoka
4. Kenourgios and Samitas
5. Trablesi

شده را به سرمایه گذاری مؤثر در تولید کالا و خدمات تبدیل نماید. همچنین، مطالعه وی نشان داد که تأثیر بخش مالی می‌تواند ازطریق افزایش بهره‌وری سرمایه‌گذاری بر بخش واقعی اقتصاد مؤثر باشد.

۳. مبانی نظری

۱. ۳. نقش بانک‌ها در تخصیص منابع و رشد اقتصادی

جمع‌آوری و جذب سپرده‌ها و تخصیص آن‌ها جهت تأمین نیازهای مالی انواع فعالیت اقتصادی، از مهم‌ترین عملیات بانکی محسوب می‌شود. به بیان دیگر بانک‌ها به عنوان واسطه بین سپرده‌گذاران و متقاضیان اعتبارات عمل نموده و با استفاده از مجموع منابع مالی، سرمایه‌ها و سپرده‌های مردم مبادرت به اعطای تسهیلات جهت گسترش فعالیت اقتصادی می‌نمایند. بانک‌ها به عنوان یک مؤسسه اقتصادی از طریق انجام دو عمل تجهیز منابع پس‌اندازی جامعه و مصرف آن، سعی در کسب منافع اقتصادی دارند. بانک‌ها با انجام عملیات بانکی خود، زمینه‌ی انتقال منابع را از اشخاصی که مستقیماً مایل یا قادر به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی نمی‌باشند را فراهم نموده و بدین ترتیب باعث افزایش ظرفیت‌های تولیدی رشد و توسعه می‌شوند. از طرف دیگر می‌توان گفت که رشد و توسعه اقتصادی بدون افزایش کمی عامل سرمایه به عنوان یکی از عوامل تولید ممکن نیست و برای تمامی اشخاص (حقیقی یا حقوقی) به دلائل مختلف مقدور نیست که در کلیه موارد و مراحل فعالیت خود، از امکانات و منابع پولی شخصی جهت تأمین نیازهای موجود استفاده نمایند. علاوه بر این دریافتی‌ها و پرداختی‌های واحدهای اقتصادی نیز به ندرت با هم انطباق می‌یابند. بنابراین واحدهای اقتصادی ناگزیر برای استفاده از تسهیلات و منابع لازم، به مؤسسات مالی و اعتباری که مهم‌ترین آن‌ها بانک‌ها می‌باشند، روی می‌آورند. بانک‌ها با عملیات اعتباری خود موجبات انتقال منابع را از اشخاصی که مستقیماً مایل و یا قادر به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی نمی‌باشند، به اشخاصی که جهت انجام امور اقتصادی نیازمند به سرمایه می‌باشند، فراهم ساخته و بدین ترتیب باعث افزایش تولیدات کشور می‌شوند. با افزایش تولید، سطح اشتغال در جامعه ارتقا یافته و از طرفی با ازدیاد کالاها و خدمات در یک اقتصاد متعادل، شرایط کاهش قیمت‌ها فراهم می‌شود. بدین ترتیب اهمیت اعطای وجه از نظر سپرده‌گذاران و در نهایت از جهت کل اقتصاد جامعه مشخص می‌شود (میاندار اصفهانی، ۱۳۹۴).

۲. ۳. اهمیت سلامت نظام بانکی

بحران اقتصادی دنیا نشان داد نظام بانکی نه تن‌ها نبض اقتصادی یک کشور بلکه نبض اقتصادی نظام مالی دنیاست و از آنجا که ضعف در عملکرد این نظام می‌تواند زمینه‌ساز آغاز بحران مالی شود تلاش برای حفظ سلامت آن اهمیت زیادی دارد. استوارت کامیل یکی از تحلیلگران مرکز مالی وان لاین در نیویورک در این مورد می‌گوید: «سلامت نظام بانکی می‌تواند تداوم رشد اقتصادی را در کشور تضمین

کند. به تعبیر بهتر می‌توان اولین آثار بحران اقتصادی را در ضعف نظام بانکی مشاهده کرد و از طرف دیگر با مشاهده ناتوانی نظام بانکی یک کشور اطمینان یافت که دیگر بخش‌های اقتصادی هم نمی‌توانند با حداکثر توان خود رشد کنند و توسعه اقتصادی را برای کشور به ارمغان بیاورند».

بحران اقتصادی که هم اکنون کشورهای صنعتی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و دامنه‌ی آن به اکثر کشورهای در حال توسعه رسیده است از بحران وام های رهنی در اواخر سال ۲۰۰۶ میلادی در امریکا آغاز شد و به سرعت شبکه‌ی بانکی امریکا و موسسات بزرگ اعتباری اروپا را فراگرفت این بحران با سرایت به مؤسسات بزرگ مالی، تبدیل به بحرانی فراگیر در بازارهای مالی شد و کاهش شدید قیمت سهام و سقوط بورس ها را به همراه داشت. ورشکستگی برخی بانک ها و نهاد های مالی که نتیجه ی طبیعی این فرایند است موجب نگرانی در بازار های مالی و کاهش شدید اعتبارات، رکود اقتصادی و افزلیش بیکاری شد. در چنین وضعی، خانوارها نسبت به آینده اقتصادی نگران تر می شوند و مصرف خود را به سرعت کاهش می دهند که این امر، افت سطح فروش و کاهش سود بنگاه های اقتصادی را به دنبال داشت و زمینه را برای کاهش سرمایه گذاری و افزایش بیکاری فراهم می آورد و در یک کلمه بحران اقتصادی را تشدید می کند (دانگ، کناک و روگرس[1]؛ ۲۰۱۳).

۳. ۳. بانکداری اسلامی

بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران دنیای بانکداری بر این اعتقادند که اگر اصول و ملزومات مورد تأکید در اقتصاد اسلامی توسط نظام های مالی جهان رعایت می شد، بحران مالی اخیر هیچ گاه روی نمی‌داد. به عنوان مثال، اگر بانک های جهان اصل مشارکت در سود و زیان بین بانک و مشتری را به طور جدی مورد توجه قرار می دادند، دقت و حساسیت بیشتری در مورد سرمایه گذاری ها و تخصیص منابع مالی خود مبذول می داشتند و پس از آغاز یک معامله و سرمایه گذاری، با دقت و تمرکز بیشتری نسبت به نظارت و کنترل فرآیندها اقدام می کردند، چرا که سود و زیان یک پروژه و سرمایه گذاری، سود و زیان خود بانک و مشتریان نیز هست.

در بانکداری و مالیه اسلامی، خبری از دریافت و پرداخت بهره (ربا) نیست و تولید پول مصنوعی و بدون پشتوانه ممنوع است. در الگوهای کلاسیک بانکی، بانک ها و موسسات اجازه دارند چند برابر پولی را که از محل سپرده های حقیقی مشتریان خود جمع آوری کرده اند تسهیلات اعطا نمایند و این، یعنی این که آن‌ها پولی را که اصلا وجود خارجی ندارد، به متقاضیان وام می دهند. چنین ترفندی که فقط به سود بانک است و هیچ منفعتی برای سپرده گذاران و جامعه ندارد، یک پیامد خطرناک و مهلک می تواند به دنبال داشته باشد و آن هم ایجاد حباب مالی و افزایش نقدینگی در اقتصاد است. در الگوی اسلامی بانکداری، بانک های اسلامی نقش واسطه و کارگزار کار و کسب های مالی و سرمایه گذاری را بازی می کنند. آن‌ها

---

1. Dang, Knack and Rogers

سرمایه‌ها و پس اندازهای افراد را جمع آوری کرده و در فعالیت های مولد و سالم اقتصادی سرمایه گذاری می‌کنند و سود به دست آمده از این طریق را بین خود و سپرده‌گذاران تقسیم می‌کنند. بانک ها و موسسات مالی اسلامی همچنین از این سرمایه های انباشته شده به منظور اعطای تسهیلات به متقاضیان وام و صاحبان کار و کسب بهره می گیرند و به عبارت واضح تر، در کسب و کار آن ها شریک می‌شوند که این شراکت نه تن‌ها در مالکیت آن کسب و کارها، بلکه در سود و زیان آن ها نیز هست (ابوالحسن، ۱۳۹۰).

٤. ۳. ویژگی های بانکداری اسلامی

رشد متوسط بانکداری اسلامی حدود ۲۰-۱۵ درصد به صورت سالانه حاکی از آن است که بحران مالی اخیر سبب شده تا چشم ها به سوی بانکداری اسلامی دوخته شود و ویژگی‌های این نوع بانکداری مورد ارزیابی قرار گرفته و کوشش شود تا در نظام های مالی جهانی عملی شود (قلیچ، ۱۳۹۱).

در این قسمت به بررسی بخشی از ویژگی های بانکداری اسلامی می پردازیم که می تواند آن را از بحران مصون نگه دارد:

۱- ممنوعیت انجام معامله های ربوی

ایده بانکداری و تأمین مالی اسلامی که نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد و تاکنون شاهد رشد چشم گیری بوده است، بر اصل کلی استوار بوده و آن تحریم ربا است. تحریم ربا اصلی کلی است که نه تن‌ها شریعت اسلام آن را نفی کرده بلکه دیگر ادیان مسیحیت، یهودیت و آیین هندو نیز آن را رد می‌کنند (میلس، پریسلی و ویلسون، ۱۹۹۹):[1]

اقتصاددانان غربی ربا را از ضروریات می دانند، برابر آن در اقتصاد اسلامی به شدت نهی شده است. وجود ربا و بحث نرخ بهره یکی از مهم ترین فصول ممیزه اقتصاد سرمایه داری از اقتصاد اسلامی است. در نظام بهره صاحبان پس انداز و موسسه های پولی، گرفتن بهره و ربا خواری را به کارهای سرمایه گذاری ترجیح می‌دهند زیرا در هر حال وام گیرنده چه سود ببرد یا زیان، سود وام دهنده تضمین شده است و این سبب می‌شود که وام ها به فعالیت های کوتاه مدت اختصاص یابد تا در صورت افزایش نرخ بهره بتوانند از آن استفاده کنند و به جای وارد شدن در جریان تولید، راهی بازارهای پولی معامله های ربوی شوند. در نظام اسلامی با تحریم ربا دیگر زمینه ای برای اختصاص پس انداز به معامله های ربوی وجود نخواهد داشت. یگانه راه برای کسانی که قصد کسب درآمد از پس اندازهایشان دارند، درگیر شدن با بخش واقع اقتصاد است. این امر سبب می شود تمام وجوهی که پیش از این صرف وام های ربوی می شد اینک به بخش حقیقی اقتصاد عرضه شود و در نتیجه وجوه عرضه شده برای سرمایه گذاری در تمام اقتصاد افزایش پیدا می‌کند (نظرپور و رضایی و خزایی، ۱۳۹۱).

---

1. Mills & Presley & Wilson

۲- تأکید بر قراردادهای واقعی

عقدهای مبادله ای بازدهی ثابت و سود از پیش تعیین شده دارند که اگرچه شبیه همان چیزی است که در بانکداری متعارف وجود دارد اما رابطه حقوقی بانک و مشتری در این دو نوع بانکداری متفاوت است. در بانکداری اسلامی رابطه وکیل- موکل برقرار بوده و در بانکداری ربوی رابطه قرض دهنده و قرض گیرنده است.

در بانکداری ربوی هر فرد سپرده گذار بدون توجه به این که سپرده وی صرف چه کاری می شود، فقط به فکر درآمد ربوی حاصل از سپرده گذاری خویش است. در صورتی که در بانکداری اسلامی تک تک سپرده گذارها می‌توانند در فعالیت های جامعه خود شریک باشند. بنابراین سپرده گذاران در بانک های اسلامی پول خود را به وسیله بانک در تملیک متقاضیان تسهیلات قرار نمی دهند بلکه آن‌ها در حقیقت سرمایه گذار بالقوه یا بهتر بگوییم عرضه کننده سرمایه هستند و بانک اسلامی را برای انجام این عمل وکیل خود قرار می دهند که سپرده وی را به صورت سرمایه بالفعل درآورد. از طرف دیگر، عده ای متقاضی سرمایه گذاری هستند که بخشی از سرمایه لازم را در اختیار دارند و برای بقیه آن با بانک اسلامی مراجعه می‌کنند یا این که تمام سرمایه خود را به طور مثال در عقد مضاربه از بانک اسلامی تأمین می‌کنند (توتونچیان، ۱۳۷۹).

۳- توزیع ریسک سرمایه گذاری

نگرش اسلام به ریسک در بانکداری اسلامی محتاطانه است به طوری که اجازه نمی دهد قراردادها با نااطمینانی های بیش از اندازه همراه باشند، بلکه آن‌ها را به سمت تسهیم ریسک تشویق می کند. به این معنا که ریسک حاصل از فعالیت های سرمایه گذاری باید بین مالکان منابع مالی و استفاده کنندگان از این منابع تقسیم شود(صدیقی[1] ۲۰۰۹).

در بحران ۲۰۰۷ آمریکا اعطاکنندگان وام های رهنی، تمام ریسک عدم بازپرداخت را به مشتری نهایی وام منتقل می کردند و این جهت انگیزه کمتری در تأمین مالی آن ها و تعهدهای مالی خود داشتند. از طرفی قیمت اوراقی که به پشتوانه این وام های رهنی منتشر شد بیش از قیمت دارایی یا به عبارت دیگر وثیقه های دریافت شده از وام گیرندگان بود. این قیمت بالاتر در حقیقت همان بهره این اوراق بود که سبب جذب خریدار اوراق برای سرمایه گذاری در این اوراق رهنی در قالب نظام ربوی می‌شد. این اوراق در بازارهای ثانویه با قیمت های بالاتر خرید و فروش می شدند که این سبب افزایش بی دلیل قیمت این اوراق شد و بر اثر کاهش قیمت مسکن به عنوان دارایی اولیه بحرانی عظیم سراسر بانکداری ربوی را در بر گرفت(پاراشر و ونکاتیش[2] ۲۰۱۰).

---

1. Siddiqi
2. Parashar & Venkatesh

٤- برقراری ارتباط میان عرضه پول و بخش واقعی اقتصاد

عامل دیگر ثبات بانک های اسلامی نسبت به بانک های ربوی روشی است که پول خلق و مدیریت می‌شود. به علت ممنوعیت ربا در اقتصاد اسلامی و به کارگیری روش‌های تأمین مالی مشارکتی و غیر مشارکتی، خلق پول نیز به طور عمده از راه به کار بردن این روش‌ها صورت می‌گیرد بنابراین بخشی از سرمایه عرضه شده به فعالیت های اقتصادی، بر مبنای مشارکت در سودی است که از به کارگیری این سرمایه ها پدید می آید و هر بخشی از این وجوه که به صورت سپرده به نظام بانکی اسلامی عرضه پول به صورتی انجام می‌شود که به طور مستقیم به بخش واقعی اقتصاد گره خورده و مستقل از آن نیست (ندری و قلیچ و میسمی، ۱۳۹۲).

٥- انعطاف پذیری هزینه های جذب سرمایه

در عقدهای مشارکتی، جهت حرکت هزینه هر واحد سرمایه در جهت حرکت سود است، چرا که در این عقدها سود به صورت پسینی (بعد از فعالیت اقتصادی) و آن هم براساس نسبت های مورد توافق محاسبه می‌شود. در بانکداری متعارف با افزایش نرخ سود در مورد انتظار در جامعه و از سوی دیگر با ثابت ماندن نرخ بهره (هزینه دریافت وام و تسهیلات) تقاضا برای دریافت وام به شدت افزایش می یابد و عکس این موضوع نیز ممکن است اتفاق بیفتد اما در بانکداری اسلامی به علت اینکه برخی از عقدها بر پایه عقدهای مشارکتی انجام می شود و در این عقدها در شرایط رونق و حالتی که انتظار سود به سمت بالا است، هزینه دریافت تسهیلات به علت افزایش سهم سود سپرده گذار نیز خود به خود بالا می رود، تقاضا برای دریافت وام دیگر به آن اندازه که در نظام متعارف افزایش می یافت افزایش نخواهد یافت. در حالت رکود نیز عکس این حالت اتفاق می افتد. بنابراین می توان نتیجه گیری کرد که تحت نظام تأمین مالی اسلامی، دامنه نوسان های تمام مراحل یک دوره اقتصادی(رکود یا رونق) کوتاه تر خواهند بود(نظرپور و رضایی و خزایی، ۱۳۹۱).

٦- محدودیت فعالیت های سفته بازی

می توان انواع سفته بازی را دو قسمت کرد:

الف) سفته بازی ای که به تخمین ارزش آینده متغیرهای کلیدی مانند: قیمت، سود، واردات، تقاضای صادرات، اشتغال و. . . ارتباط دارد.

ب) سفته بازی ای که به رخدادهای غیر اقتصادی که می توانند متغیرهای کلیدی را تحت تأثیر قرار دهند مرتبط می شود مواردی مانند: تغییر در حکومت، جنگ و. . .

سفته بازی امری مهم است زیرا رفتارهای اقتصادی رایج را تحت تأثیر قرار داده و از این راه به تغییرهایی در عرضه و تقاضای کالاها و خدمات، سرمایه گذاری و. . . می انجامد. به نظر می رسد آن نوع سفته بازی

ای که به صورت تهدیدی برای ثبات اقتصادی شمرده می شود، سفته بازی نوع اول نیست زیرا همان طور که در تحلیل های اقتصادی نشان داده شده نیروهای اقتصاد بی ثباتی ای که این نوع از سفته بازی ممکن است پدید آورد را بر عهده می گیرند بنابراین آن نوع از سفته بازی که به صورت تهدیدی برای ثبات اقتصادی و به ویژه ثبات مالی شمرده می‌شود موردی است که بر روی متغیرهای اقتصادی تمرکز ندارد یعنی مورد دوم. اگر قمار بازی را به صورت خلق ریسک به منظور کسب سود برای قبول چنین ریسکی در نظر بگیریم انگاه می‌توان گفت فقط این نوع از سفته بازی است که به صورت تهدیدی برای ثبات اقتصادی شمرده می‌شود. این نوع از سفته بازی طبیعتش شرط بندی بر روی رویدادهایی است که به فعالیت اقتصادی فردی که شرط می بندد ربطی ندارد. اغلب چنین سفته بازی هایی در بازار های مالی امروزی به اسناد بدهی و تغییرهای نرخ بهره مرتبط می شوند(عیوضلو و میسمس، ۱۳۸۷).

موارد مطرح شده همگی از جمله مزیت های بانکداری اسلامی در قیاس با بانکداری متعارف شمرده شده و در اصل این ویژگی های بانکداری اسلامی به عملکرد مناسبتر این بانک ها در بحران مالی ۲۰۰۷ انجامیدند.

۵. ۳. عقود اسلامی در عملیات بانکی بدون ربا

یکی از مبانی عقیدتی اسلام و نظام اقتصادی مبتنی بر اصول اسلام، تحریم بلا شرط دریافت و پرداخت بهره است. بنابراین، عملیات بانکداری و مالی باید بدون بهره صورت گیرد، و اسلام روش‌هایی را برای جایگزین کردن بهره و نهادهای اقتصادی مبتنی بر آن پیشنهاد می کند، که از آن جمله می توان به عقود اسلامی به عنوان ابزاری کارآمد اشاره کرد.

به طورکلی عقود اسلامی در سیستم بانکی به چهار گروه تقسیم می شوند که عبارتند از:

قرض الحسنه، عقود مبادله ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین، جعاله، ضمان)، عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات) و سرمایه گذاری مستقیم. سرمایه گذاری مستقیم از نظرآثار و نتایج شبیه قراردادهای مشارکتی است و گاهی جزء این دسته قرار می‌گیرد (طبیبیان، ۱۳۸۴).

گاهی نیزدسته بندی این عقود به این صورت است: عقد غیرانتفاعی (قرض الحسنه)، عقود انتفاعی با سود معین (عقود مبادله ای) و عقود انتفاعی با سود انتظاری(عقود مشارکتی و سرمایه گذاری مستقیم).

٦. ۳. مفهوم قرض الحسنه:

اصطلاح قرض الحسنه در کشور ایران و در میان فارسی زبانان از خواص و عوام معروف است و بطور شایع استعمال می شود. معادل عربی ترکیب قرض الحسنه، القرض الحسن است. چنانکه برخی از کتاب‌های لغت نیز به آن تصریح کرده اند (حر، ۱۳۷۶: ۱۶۲۸).

«مقصود از القرض الحسن هم آن است که از مال حلال بوده و منّت، اذّیت و ربا را به دنبال نداشته باشد. اما مقصود از قرض الحسنه دادن به خدا، صدقه ای است که با نیت پاک و صرفا به خاطر خدا داده شود» و می‌توان گفت، «همه اعمال نیک، اعم از بدنی و مالی، قرض الحسنه ای هستند که به خدا تحویل داده می‌شوند و او در مقابل پاداش خواهد داد. »(قرشی، ۱۳۸۳: ۳۰۷) متشرعین نیز قرض صحیح غیر ربوی بین انسان‌ها را با تأسّی از قرآن کریم، قرض حسن و قرض الحسنه نامیده اند.

قرض الحسنه، عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (قرض دهنده) مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض گیرنده) تملیک می کند که قرض گیرنده مثل و یا در صورت عدم امکان، قیمت آن را به قرض دهنده رد نماید. قرض الحسنه عقدی لازم است و از این رو مقروض نمی تواند قبل از انقضای مدت، طلب خود را مطالبه نماید. از نظر مدت زمان، قرارداد قرض الحسنه به طور متوسط از سلف و فروش اقساطی که قراردادهای کوتاه مدت هستند زمان بیشتری می برد و از مشارکت مدنی و جعاله که عقود بلندمدت هستند کوتاه‌تر است (صدر، ۱۳۷۰: ۱۳۵).

در واقع اعطای قرض الحسنه می تواند برای آن دسته افراد جامعه که بضاعت کافی برای تأمین نیازهای عمومی و ضروری خود ندارند، قدرت مالی نسبی ایجاد نماید (هدایتی، ۱۳۸۱).

در ماده ۶۴۸ قانون مدنی ایران نیز چنین آمده است: «قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین، مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می کند، که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف ردّ نماید و در صورت تعذّر ردّ مثل، قیمت یوم الرّد را بدهد» (خورشید، ۱۳۷۴).

قرض الحسنه با مشارکت، مضاربه و مانند آن‌ها نیز فرق جوهری و ذاتی دارد. انگیزه اصلی در همه این قراردادها بهره مندی از سود بیشتر (لااقل در نظر طرفین قرارداد) می باشد. ولی در قرض الحسنه هیچ شائبه‌ای برای برخورداری از سود وجود ندارد. چون سود در آن، نه تن‌ها موجب حرمت (و به نظر برخی موجب بطلان) معامله می گردد، بلکه ماهیت آن را عوض نموده و آن را به معامله ربوی تبدیل می‌کند.

در مقایسه قرض الحسنه و قراردادهای نوع دوم می توان گفت: عرضه کننده صدقه و انفاق نه تن‌ها منتظر برخورداری از سود دنیوی نیست، بلکه از اصل نیز، در راه ارزش‌ها و اعتقادات خویش صرف نظر می‌نماید. این رفتار موجب رفع نیازهای بخش مهمی از نیازمندان جامعه می‌شود. میزان تحقق این رفتار تابعی از حاکمیت ارزش‌های اخلاقی در آن جامعه می‌باشد. قرض نیز مانند صدقه، انفاق وهبه غیر معوضه(۲) وسیله ای برای تعاون اجتماعی است. عرضه کنندگان این تسهیلات، با اتکاء بر اعتقادات و ارزش‌های مورد قبول خود، بخشی از نیازهای درونی خویش را ارضاء می کنند.

۷. ۳. نقش عقود اسلامی در بهره‌وری سرمایه

درجه بالای تعمیق مالی می‌تواند از طریق رقابت و در نهایت تخصیص بهینه سرمایه، کارآیی و بهره وری بانکداری را تحت تأثیر قرار دهد، که بهره وری سرمایه گذاری را افزایش می‌دهد. همچنین، تعمیق مالی

پس اندازها را به سمت پروژه‌های سرمایه گذاری بسیج می کند که عموماً توسط بخش بانکی انجام می‌شود (مرتن و بودی[1]۱۹۹۵). تعمیق مالی بهره وری نهایی سرمایه را از طریق عملکرد واسطه گری نهادهای مالی آگاه[2]افزایش می‌دهد (کینگ و لوین[3] ۱۹۹۳ ؛ لوین، لویزا و بک[4] ۲۰۰۰). بانک‌هایی که سوددهی و کارایی بیشتری دارند، می‌توانند از طریق افزایش رقابت، بهبود خدمات و افزایش جذب شبکه، ارتقاء فرایند مبادله و ارائه محصولات مالی بیشتر (برای مثال با افزایش مقدار اعتبار)، میزان تعمیق مالی را افزایش دهند (چارتاریز و همکاران[5]۲۰۱۱).

رژیم مشارکت در سود می‌تواند حجم سرمایه گذاری را افزایش دهد و از اینرو اشتغال بیشتری را ایجاد کند. همچنین با اعمال عقود اسلامی بخصوص عقود مشارکتی، بازگشت سرمایه بستگی به بهره‌وری و تخصیص وجوه داشته؛ بنابراین، بر اساس اعتبار پروژه، کارآیی تخصیص سرمایه را بهبود می‌بخشد (سگرادو، ۲۰۰۵).

سبحانی (۱۳۷۷) معتقد است نظام بانکی بدون ربا تأمین بخشی از سرمایه مورد نیاز واحدهای تولیدی را از طریق مشارکت ساماندهی می کند، و تنگناهای مربوط به کمبود امکانات سرمایه گذاری را رفع می‌نماید؛ و بازارهایی را برای فعالیت تولیدی انتخاب می‌کند که به دلیل برخورداری از عدم تعادل بیشتر، امکان سودآوری بیشتری در آنها وجود دارد و در نتیجه عدم تعادل بین بخش‌ها و صنایع را کاهش داده یا رفع می‌نماید. در واقع نظام بانکی با بهره‌گیری از عقود اسلامی، در نقش وکیل سپرده گذاران در گذر زمان به نهادی تخصصی و عاملیتی پویا در شناخت بازارهای کالا و خدمات و صنایع فعال مبدل می گردد، به نحوی که انگیزه های لازم برای سپردن وجوه و منابع بیشتر از سوی سپرده گذاران در جامعه اسلامی جهت سرمایه گذاری را فراهم می آورد.

استفاده از عقود اسلامی در نظام بانکی با افزایش حجم پس انداز و سرمایه گذاری از طریق تعمیق نظام مالی مستقیم اً منجر به رشد اقتصادی میگردد. یکی از راه‌های افزایش بهره‌وری سرمایه و در نهایت رشد اقتصادی انتخاب سودآورترین پروژه‌های سرمایه‌گذاری است؛ ارزیابی و انتخاب پروژه‌های سرمایه گذاری توسط واسطه گران مالی، اگر به نحو کارآمدی صورت پذیرد، باعث افزایش بهره وری سرمایه گذاری می‌شود. از یک سو، بهره وری متوسط سرمایه در پروژه‌های سرمایه گذاری که توسط سیستم مالی به خوبی کنترل و ارزیابی شوند بالاتر از سایر پروژه های سرمایه گذاری خواهد بود و از سوی دیگر، انتخاب سودآورترین پروژه ها بهره‌وری سرمایه را ارتقا خواهد داد. این در حالی است که هسیه و کلنا[6](۲۰۰۷)

---

1. Merton and Bodie
2. Well-informed
3. King and Levine
4. Levine, Loayza and Beck
5. Chortareas et al.
6. Hsieh and Klenow

همچنین رستاکیا و روگرسان[1] (۲۰۰۷) عمق مالی کم و بهره وری کل عوامل(**TFP**)[2] پایین‌تر در کشورهای در حال توسعه را از طریق انحراف در تخصیص منابع به واحدهای تولیدی توضیح می‌دهند.
همچنین عقود اسلامی می‌توانند با افزایش سود در بخش‌هایی از اقتصاد که از عدم تعادل بیشتری برخوردارند، موجب ایجاد نظام مالی کارآمد و پویا شوند. چنانکه مطالعه هریسون[3] و همکاران (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که افزایش حاشیه سود واسطه گران مالی منجر به افزایش تعداد و تنوع تخصص بانک‌ها شده و با وارد شدن بانک‌های جدید هزینه‌های مبادلاتی کاهش یافته و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. بنابراین بکارگیری عقود اسلامی با تعمیق نظام مالی از طریق افزایش حجم سرمایه گذاری و بهبود کارایی تخصیص سرمایه منجر به رشد اقتصادی می‌شود.

۷. ۳. نقش قرض الحسنه در راهبردهای توسعه اقتصادی

انتخاب و حتی ابداع راهبرد توسعه اقتصادی باید متکی بر ارزش‌های دینی و ملی جامعه باشد، تا راهبردی انتخاب شود که با این ارزش‌ها بیشترین تناسب را داشته باشد و با فقدان راهبردی با این ویژگی، در فکر ابداع روش جدیدی بود که غیر قابل دسترس نیست. در بررسی رابطه قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی نیز، نباید عنایت ویژه به این مهم، مورد غفلت قرار گیرد؛ چرا که، با بی توجهی به این امر، نه تن‌ها از قرض الحسنه نمی توان به عنوان ابزاری مکمل در راستای توسعه اقتصادی بهره مند شد، بلکه ممکن است ضمن خنثی نمودن آثار یکدیگر، زیان‌های جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد.
به بیان دیگر، هرچند در نظر گرفتن جایگاهی برای قرض الحسنه در اغلب راهبردها، غیر ممکن نیست، اما نباید نسبت به سازگاری اهداف راهبردهای مزبور و قرض الحسنه مورد نظر اسلام، غافل ماند. در واقع باید اهداف قرض الحسنه را که ناشی از اهداف اسلام در جامعه اسلامی است، با اهداف راهبردهای مختلف سنجید و در صورت سازگاری و همسویی میان آن‌ها، به بررسی جایگاه قرض الحسنه در آن راهبردها پرداخت.
با چشم پوشی از این موضوع، درباره رابطه قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، می توان چنین گفت که با به کارگیری ابزارهای حاشیه ای مناسب همراه با راهبردها، میزان آثار منفی آن‌ها را به حداقل رساند. مثلاً در کنار راهبردهایی که توزیع نامناسب درآمدها را تشدید می کنند، می توان از قرض الحسنه به عنوان ابزار حاشیه ای مناسب، در راستای کاهش شدت این اثر، بهره جُست. چون افزایش اختلاف درآمدها و تشدید توزیع نامناسب درآمدها و دارایی‌های مولّد، ممکن است به ناخشنودی و نا آرامی سیاسی منجر شود. در حالی که توفیق هر برنامه اقتصادی، مرهون ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است، بطوری که با عدم ثبات، نمی توان به نیل به اهداف راهبردها امیدوار بود. بنابراین، حتی اگر ابزارهایی مانند

---

1. Restuccia and Rogerson
2. Total Factor Productivity
3. Harrison

قرض الحسنه با کمک به توزیع مناسب درآمدها، حرکت رشد و رسیدن به اهداف برخی از راهبردها را کُند نمایند، به دلیل کمک به تضمین ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که از شروط ضروری نیل به اهداف آنهاست، ارزشمند می باشند (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۱).

از آنجا که برخی از راهبردها، محور و عامل اصلی توسعه را رشد دانسته اند و حتی بعضی از آن‌ها با صراحت، توزیع نامناسب تر درآمدها را عامل افزایش پس انداز و در نتیجه افزایش سرمایه گذاری و رشد سریعتر دانسته و گفته اند: «رشد اقتصادی به شیوه سرمایه داری مستلزم آن است که توزیع درآمد به نفع طبقه پس انداز کننده (با درآمد بالا) جهت داده شود»(کانث، ۱۳۸۴: ۱۵). و اگر بپذیریم که فعّالیت قرض الحسنه، موجب توزیع مناسب تر درآمدها و دارایی‌های مولّد خواهد شد، باید قبول کنیم که این نهاد با راهبردهایی که رشد تولید ناخالص ملی را هدف قرار داده اند و توفیق بیشتر را در توزیع نامناسب تر دانسته اند، سازگاری چندانی ندارد و نه تن‌ها ابزار مفیدی در راستای اهداف آن‌ها نمی باشد، بلکه ممکن است به صورت مانعی در مقابل آن‌ها محسوب گردد، مگر آنکه اهداف قرض الحسنه و عملکرد آن‌ها به گونه ای طراحی و سیاستگذاری شوند که تأثیری در توزیع درآمدها نداشته باشد؛ که در این صورت معلوم نیست که چنین امری با تشریع قرض الحسنه سازگاری داشته باشد و شاید نتوان نام چنین نهادی را قرض الحسنه گذاشت.

الف: قرض الحسنه و راهبرد پولی:

با وجود اعتقاد به حداقل رساندن نقش دولت، اتکاء بر بخش خصوصی، بی توجهی به موضوع توزیع درآمدها و مانند آن در راهبرد پولی، به نظر می رسد نتوان جایگاهی برای قرض الحسنه در راهبرد مزبور یافت. البته ممکن است مؤسسات اعتباری انتفاعی خصوصی، وجود داشته باشند که به تأمین برخی از نیازهای اعتباری مصرفی و تولیدی اقدام نمایند؛ ولی به هیچ عنوان نمی توان نام قرض الحسنه را بر آن نهاد.

ب: قرض الحسنه و راهبرد اقتصاد باز:

در این راهبرد مانند راهبرد پولی، رشد، هدف اصلی توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده است. البته راه رسیدن به رشد را از طریق مبادلات تجاری با سایر کشورها می داند. قرض الحسنه در این راهبرد می تواند به عنوان ابزار حاشیه ای عمل کند و موجب کاهش بعضی از آثار منفی آن گردد و یا اعتبارات کوچک و محدود بخش‌های خصوصی را تأمین نماید. ولی این عملکرد، مقصود از تشریع قرض الحسنه را برآورده نخواهد کرد و در عین حال ابزار اصلی برای راهبرد مزبور نخواهد بود. به علاوه، اگر چه تأثیر این راهبرد بر توزیع درآمدها، مبتنی بر نوع کالاهای صادراتی است، ولی توزیع مناسب تر درآمدها با افزایش پس اندازها و سرمایه گذاری و رشد بیشتر ناسازگار است. بنابراین ازاین جهت نیز قرض الحسنه نمی تواند ابزار مناسبی برای این راهبرد باشد.

ج: قرض الحسنه و راهبردهای صنعتی شدن:

در این راهبردها نیز، تأکید بر رشد است و صنعتی شدن به عنوان طریق مناسب نیل به این هدف، در نظر گرفته می شود. تشکیل سرمایه زیاد، مورد تأکید بیشتری است و با صراحت، توزیع مناسب در آمدها به عنوان مانعی بزرگ در راه پس انداز و تشکیل سرمایه مطرح می شود. بنابراین تعیین جایگاهی مناسب برای قرض الحسنه در راستای اهداف این راهبردها، از بقیه مشکل تر است.

د: قرض الحسنه و راهبرد انقلاب سبز:

این راهبرد ناظر بر رشد نامتعادل و ترجیح بخش کشاورزی بر سایر بخش‌هاست و به صنایع کاربر، گسترش اشتغال و تأمین غذا برای گروه‌های درآمدی پایین، توجه ویژه ای دارد. همچنین برای نیل به رشد اقتصادی، بی توجهی به توزیع عادلانه درآمدها را ضروری نمی داند. بنابراین، قرض الحسنه برای ایجاد تقاضای بالفعل برای کالاهای کشاورزی توسط اقشار کم درآمد و تأمین اعتبارهای کوچک برای فعالیت‌های تولیدی کوچک کشاورزی یا صنایع کوچک مربوط به آن، می تواند نقش فعالی داشته باشد. البته این راهبرد در دستیابی به اهداف مورد نظر، توفیق چندانی نداشته است و اهداف قرض الحسنه نیز با هدف‌های این راهبرد بطور کامل تطابق ندارد. اما در صورت انتخاب این راهبرد برای نیل به توسعه اقتصادی، می توان از قرض الحسنه استفاده شایانی نمود (حبیبیان نقیبی، ۱۳۸۱).

ه: قرض الحسنه و راهبردهای سوسیالیستی:

این راهبردها در تأمین بسیاری از نیازهای اساسی و خدمات عمومی برای افراد جامعه توفیقاتی داشته اند؛ ولی به دلیل عدم مشروعیت مالکیت خصوصی در این دیدگاه، استمرار توفیقات و تعمیم آن به سایر جوامع، چندان آسان به نظر نمی رسد. به هر حال با فرض امکان تأسیس نهاد قرض الحسنه در چنین جوامعی و امکان رشد و تکامل آن، می توان در راستای برخی از اهداف، از آن استفاده نمود. اما واقعیت این است که با توجه به اقتصاد برنامه ریزی شده دولتی، نمی توان انتظار داشت که نهاد قرض الحسنه در این جوامع، متکی به حرکت مردمی باشد. بلکه صرفا به عنوان یک موسسه اعتباری دولتی می تواند کارآیی داشته باشد. در نتیجه این نهاد با ویژگی‌های قرض الحسنه مورد نظر، تناسب چندانی نخواهد داشت.

و: قرض الحسنه و راهبردهای توزیع مجدد

راهبردهای توزیع مجدد را می توان به سه راهبرد (ایجاد اشتغال تولیدی برای طبقات فقیر و زحمتکش، توزیع مجدد بخشی از درآمد حاصل از رشد و تأمین نیازهای اساسی) تقسیم کرد. در مجموع، با توجه به اهداف راهبردهای توزیع مجدد، می توان گفت که تناسب قرض الحسنه با این راهبردها از بقیه، بیشتر است. اما در میان راهبردهای توزیع مجدد، راهبرد تأمین نیازهای اساسی با قرض الحسنه سازگاری بیشتری

دارد.

در راهبردهای تأمین نیازهای اساسی ادعا می شود که تفاسیر دیگر از فرایند توسعه، در بیان تفاوت میان میل نهایی به پس انداز در طبقات غنی و کارآفرینان کوچک اغراق می کنند. چون در عمل مشاهده می‌شود که ثروتمندان میل زیادی به مصرف کالاهای تجملی دارند و اغلب در زمینه های غیر تولیدی (خرید زمین یا بورس بازی مستغلات شهری) سرمایه گذاری کرده و پس اندازهای خود را به خارج منتقل می کنند. از سوی دیگر کارآفرینان کوچک به دلیل تبعیض در سرمایه گذاری و تبعیض نهادین و فقدان مجاری مناسب تولیدی برای سرمایه گذاری، پس انداز خود را افزایش ندادند (هانت، ۱۳۸۶: ۲۸۶). و انتظار می رود که در آینده با رفع این موانع پس اندازهای آن‌ها افزایش یابد.

روشن بودن مفهوم نیازهای اساسی باعث اجتناب نویسندگان از تعریف آن و اکتفا به بیان برخی مصادیق شده است. اما با توجه مصادیق مذکور و شاخص‌های ارائه شده برای این راهبرد در یک جمله می‌توان گفت که مقصود از نیازهای اساسی، نیازهای افراد جامعه برای برخور داری از «حیات آبرومند» می‌باشد. طبیعی است مصادیق آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت خواهد بود.

دولت نیز بدون همکاری و همفکری مردم، عملاً توان تعیین دقیق و تأمین نیازهای اساسی را ندارد. در واقع چاره کار، رو کردن به مردم و جدی گرفتن آنان است و این زیربنای تفکّر راهبرد تأمین نیازهای اساسی است. در این دیدگاه، مردم از حالت کمک گیرنده منفعل، خارج می شوند و در اجرای برنامه های توسعه و رفاه اجتماعی، نقش فعال و مؤثری به عهده می گیرند و نیاز آن‌ها به دولت و دخالت دولت در کار آن‌ها روز به روز کمتر می شود. این دیدگاه، افراد انسان را موضوع و هدف توسعه تلقی می کند و از این راه به گسترش عدالت اجتماعی، صلح و هماهنگی در جامعه و تأمین حق تعیین سرنوشت مردم در مناسبات اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند (شادپور، ۱۳۷۲: ۴۳۸).

به عبارت روشن تر در راهبرد تأمین نیازهای اساسی، «مردم محور حرکت هستند». هدف آن است که مردم، حاکم بر سرنوشت خود، تعیین کننده هدف و مجری برنامه ها باشند. بنابراین اولین و مهمترین رکن، مردمند و ارکان دیگر بر مدار آن شکل می گیرند. البته اجرای هر طرح از این راهبرد به تولید کار و درآمد بیشتر مردم متکی است. لازمه این که مردم خود به رفع نیازمندی‌های جمعی خویش اقدام کنند، داشتن توان اقتصادی است. اتفاقاً این طرح‌ها در مکانهایی اجرا می شود که مردم بیشترین نیاز و کمترین توان را دارند. پس در قدم اول باید برای افزایش درآمد آنان فکری کرد.

به همین دلیل، «وام بدون بهره یا کم بهره» از لوازم و ابزارهای ضروری اجرای این طرح‌ها محسوب می‌شود. درباره نوع تولید که برای آن، وام پرداخته می‌شود، تعقل و حسابگری‌های کسب و کار خصوصی، ضرورت تام دارد. کمک‌های مشورتی و خدمات کارشناسی باید این اطمینان را به مردم بدهد که سرمایه گذاری در زمینه های خاص از نظر بازار فروش، میزان رقابت و سوددهی، مقرون به صرفه است.

سود حاصل از کاری که مردم با استفاده از وام، در آن سرمایه گذاری می کنند، باید در سه مورد عمده، هزینه گردد که عبارتند از:

ـ منفعت شخصی برای کسانی که شریک یا سهامدار طرح خاص درآمد زا بوده اند.

ـ بازپرداخت تدریجی وام، از زمان بازپرداخت وام.

ـ سرمایه گذاری برای اجرای طرح‌های هزینه بر و عام المنفعه. مانند تأمین آب، احداث معابر، ساختن پل، ساختن و اداره مدرسه یا مرکز عرضه خدمات بهداشتی و غیره.

باید در توزیع سهام دقت شود که از تراکم آن در دست یک گروه توانگر و بی نصیب ماندن مستمندان جلوگیری شود. در واقع، تأکید بر سهامدار شدن و مشارکت کم بنیه های روستا در کار تولیدی است، حتی اگر تعداد سهام آنان چندان زیاد نباشد، از بانک یا هر منبع میسر دیگر باید وام گرفته شود، تا کار تولیدی مورد نظر، آغاز گردد. از این رو، همان گونه که بیان شد، اعطای وام بدون بهره در آغاز کار، از لوازم عمده اجرای طرح‌های راهبرد تأمین نیازهای اساسی است. تجربه نشان داده است که مردم سریعاً و خیلی زودتر از مهلت‌های تعیین شده، استطاعت لازم برای بازپرداخت وام را پیدا می کنند. (هانت، ۱۳۸۶: ۹۵).

۸. ۳. نقش قرض الحسنه در راهبرد تأمین نیازهای اساسی

از جمله مواردی که در راهکارهای راهبرد نیازهای اساسی به آن تکیه شده و از ابزارهای مهم برای اعمال سیاست‌های این راهبرد محسوب می شود، اعطای وام‌های بی بهره و کم بهره است. که در آن پیشنهاد می‌شود دولت، بخشی از درآمدهای خود را برای تأمین اعتبار طرح‌های این راهبرد به صورت وام‌های بدون بهره و کم بهره، اختصاص دهد. طبیعی است که مرکز متکفل این امر، نمی تواند موسسه ای انتفاعی باشد (همان منبع).

نهاد قرض الحسنه نیز می تواند با اتکاء بر زمینه های لازم اعتقادی و شرایط جامعه، وجوه مردم را جمع آوری نماید، تا صرف تأمین اعتبار برای نیازهای اساسی مصرفی و تولیدی کوچک به صورت وام‌های بدون بهره گردد. البته دولت نیز جهت ایجاد انگیزه و تحرّک و سرعت بیشتر برای رسیدن به اهداف مورد نظر، بخشی از این اعتبارات را تأمین خواهد کرد. در واقع با وجود قرض الحسنه، بار مالی دولت در این راهبرد به شدت کاسته خواهد شد و در عین حال دولت از نظارت و هدایت نیز در راستای اهداف مزبور برخوردار می شود.

موضوع دیگری که راهبرد تأمین نیازهای اساسی، به شدت به آن متکی است. مشارکت مردمی می باشد. یعنی بدون مشارکت مردمی، راهکارهای عملی این راهبرد، کارآیی خود را از دست می دهد. چنانکه در برخی از ادبیات مربوط به این راهبرد آمده است: «دولت بدون همکاری و همفکری مردم، عملاً توان تعیین دقیق و تأمین نیازهای اساسی را ندارد. برای تحقق این هدف باید توده مردم حق مشارکت در تامین

نیازهای اساسی را داشته باشند. در واقع در این راهبرد، مردم محور حرکت هستند. هدف آن است که مردم، حاکم بر سرنوشت خود، تعیین کننده هدف و مجری برنامه ها باشند. بنابراین اولین و مهمترین رکن این راهبرد، مردمند و ارکان دیگر بر مدار آن شکل می گیرند» (همان منبع).

در نهاد قرض الحسنه نیز، عملاً تکیه اصلی بر همه مردم و مشارکت جدی آنان می باشد. به بیانی روشن تر، اگر چه نظارت، هدایت و حمایت حکومت اسلامی، شرط لازم و ضروری موفقیت قرض الحسنه می باشد، ولی این امور باید، به صورتی اعمال گردد که از صبغه مردمی بودن آن کاسته نشود. یعنی دخالت دولت، فقط در جهت هدایت و تقویت انگیزه ها و تحرک مردمی این نهاد باشد. چنانکه در اغلب مراکز متولی قرض الحسنه در حال حاضر، وجهه مردمی بودن آن کاملاً مشهود است، اما از نظارت، هدایت و حمایت دولت به مقدار کافی شواهدی موجود نیست و همین امر باعث ایجاد انحرافات احتمالی در پیگیری یا تشخیص صحیح اهداف شده و خواهد شد.

توجه زیاد به تأمین نیازهای اساسی و کالاهای ضروری برای طبقات کم درآمد جامعه از موضوعات مهم در این راهبرد می باشد (فرجادی، ۱۳۷۲: ۱۱۸). در واقع، جستجوی راهبرد جدید و ابداع این راهبرد، به دلیل عدم توفیق راهبردهای سابق در رفع مشکلات طبقات کم درآمد و تأمین نیازهای اساسی آنان بوده است. طبیعی است که بخشی از این نیازها باید توسط کمک‌های بلاعوض و پرداخت‌های انتقالی دولت و نهادهای مردمی، تأمین شود. اما بهترین روش برای رفع این نیازها، اعطای وام‌های بی بهره، مانند قرض الحسنه است که ضمن رفع این نیازها، آنان را به تلاش برای کسب درآمد بیشتر برای بازپرداخت وام، وادار می کند. برای این منظور باید اعتبارات لازم برای تأسیس یاگسترش صنایع کوچک تأمین گردد تا اشتغال بیشتر و درآمد بالاتر برای این افراد را در پی داشته باشد. البته در صورت اجرای موفقیت آمیز این راهکارها، افزایش تولیدات و رشد بیشتر، نتیجه طبیعی آن خواهد بود.

همچنین، قرض الحسنه و راهبرد نیازهای اساسی می توانند از ارکان مشابهی برخوردار باشند. چون در راهبرد نیازهای اساسی، علاوه بر مردم که رکن اصلی آن دانسته می شود، ارکان دیگری مانند گروه بین بخشی، سر خوشه ها، گروه مدیریت و تعاونی‌ها، برای اعمال سیاست‌ها و اجرای طرح‌های آن در نظر گرفته می شود؛ که در نهاد قرض الحسنه نیز می توان ارکان مشابهی را طراحی کرد تا ضمن برخورداری از نظارت، هدایت و حمایت دولت، از ویژگی‌های مردمی بودن نیز بهره مند باشد و در حد امکان شرایطی ایجاد شود که مراکز قرض الحسنه در مناطق مختلف به رقابت در راستای اهداف مورد نظر بپردازند و از آثار مثبت رقابت سالم نیز برخوردار گردند (شادپور، ۱۳۷۲: ۴۳۹).

البته بسیاری از اهداف و راهکارهای راهبرد نیازهای اساسی را می توان به سهولت در اهداف و روش عملکرد قرض الحسنه یافت؛ که در این مطالعه به برخی از آن‌ها اشاره شد. اما باید توجه داشت که برای ارائه الگوی مناسب برای هر جامعه، باید تغییرات لازم و متناسب با آن در راهبردها ایجاد شود و همان گونه

که در متون مربوط به راهبرد نیازهای اساسی آمده است، این راهبرد از انعطاف پذیری بالایی برای تطبیق با شرایط جوامع مختلف برخوردار است (هانت، ۱۳۸۶: ۹۵).

٤. نتیجه‌گیری

گسترش روز افزون بانکداری اسلامی در نظام بانکداری دنیا و سیاست‌های پولی و مالی جهان، برای کمتر کسی قابل باور بود. امروزه، نظام اقتصادی دنیا بانکداری اسلامی را به عنوان نظام پیشرفته پذیرفته و در بسیاری از موارد، آن را جایگزین روش های پیشین خود کرده است. مطمئنا اقتصادهای توسعه یافته، منفعت محور و مشتری مدار کشورهای غربی اگر در ارتباط با ویژگی، کاربرد و پیشرفته بودن بانکداری اسلامی به باور نمی رسیدند به این وسعت آن را به اجرا در نمی آوردند.

بحران مالی ۲۰۰۷، موجب به صدا درآمدن زنگ خطر برای نظام مالی و بانکی سنتی در بسیاری از کشورها گردید و آن ها را به فکر یافتن راه حل ها و الگو های جایگزین و نوین بانکداری و خدمت رسانی مالی انداخت. در این میان، کشورهای در حال توسعه که اتفاقا میزبان های اصلی صنعت بانکداری و مالیه اسلامی نیز هستند، می توانند با استفاده کامل از پتانسیل ها و فرصت های بی نظیری که این صنعت می تواند در اختیارشان قرار دهد، به بسیاری از اهداف و آرمان های خود از جمله فقرزدایی، حمایت از تولید و کاهش بی عدالتی و تضاد طبقاتی دست یابند. بانک های اسلامی قادرند با اعطای تسهیلات ارزان قیمت به شرکت های کوچک و متوسط و تقویت آن ها، برنامه های ملی و بین المللی در زمینه قرزدایی را پیش ببرند و جوامع را از شر این بلای خانمان سوز رهایی بخشند. ویژگی های نظام بانکداری اسلامی باعث تضعیف عوامل زمینه ای بحران های مالی می شود. برخی از این ویژگی ها عبارت اند از: سهیم شدن سپرده گذار در سود و زیان فعالیت اقتصادی، تعهدات به نسبت بلند مدت سپرده گذاران، همسانی و همزمانی نسبی تعهدات پرداختی و دریافتی، رعایت حاشیه ایمنی موسسه های تأمین مالی شده، همسو بودن حرکت هزینه‌ها و سودهای انتظاری سرمایه گذاری، اطمینان و آرامش موسسه ها از بابت عدم هجوم سپرده گذاران پس از شروع بحران، وجود نظام نظارتی درونی، ارتباط تمامی عقود و روابط با بخش واقعی اقتصاد و کاهش ورود این موسسه ها در حیطه های پر ریسک اقتصادی. علاوه بر این، بانکداری اسلامی دارای مکانیزم های متعدد و متنوعی در حوزه تأمین مالی پروژه های زیر بنایی است که دولت ها با استفاده از آن ها می توانند بسیاری از برنامه های زیر بنایی و بلند مدت خود را به مرحله اجرا درآورند. ویژگی‌های حاکم بر الگوهای اسلامی تأمین مالی پروژه های زیربنایی، به گونه ای است که از هزینه نهای ناشی از این پروژه ها می کاهد و اجرای آن ها را از نظر اقتصادی، مقرون به صرفه می سازد. یکی از عوامل اصلی استقامت و سلامت بانک ها و موسسات مالی اسلامی در برابر بحران مالی اخیر، رعایت پاره ای از اصول بنیادین و ضروری برای موفقیت در دنیای بانکداری، به ویژه در بخش شفاف سازی و نظارت بانکی بوده است. هم اکنون زمان آن فرارسیده است تا ارزش ها و چارچوب های بنیادین حاکم بر بانکداری اسلامی،

جنبه ای جهانی و بین المللی پیدا کند و بانکداران و اقتصاددانان جهان به طور کامل از پتانسیل ها و توانمندی های فراوان بانک های اسلامی برای خدمات رسانی مطلوب به مشتریان و کاستن از احتمال بروز و تکرار بحران های مالی جهانی آگاه کردند. بنابراین، چنین به نظر می رسد که بحران مالی ۲۰۰۷ که برای بانکداری غربی یک پدیده شوم و ویرانگر به حساب می آید، بهانه ای شده است برای جلب توجه جهانیان با بانکداری اخلاق گرایانه و انسانی که در قالب الگوی بانکداری اسلامی شده است.

نهاد قرض الحسنه رفتاری اقتصادی برگرفته از حاکمیت ارزش‌های اسلامی یا حس نوع دوستی است و باعث انتقال هزینه فرصت استفاده از وجوه از طبقات ثروتمند به سطوح پایین درآمدی و در نتیجه موجب بهبود توزیع درآمدها در جامعه می‌شود. حکومت‌ها علاوه بر اهداف انسانی حداقل برای استمرار ثبات سیاسی اجتماعی، توزیع مناسب درآمدها را به عنوان یک شاخص مهم در اهداف خود می گنجانند. علاوه بر آن حکومت اسلامی بر اساس وظیفه حداقل برای پرداخت دیون غارمین مجبور به توجه و دخالت در رفتار قرض الحسنه و آثار آن است. بهترین شیوه متصور در نوع دخالت دولت در این رفتار پسندیده آن است که صبغه خصوصی بودن حفظ گردد ودولت به عنوان یک حامی، ناظر و هادی مقتدر، برنامه ریزی و نظارت آن را به عهده گیرد.

سیاستگذاران و دولت مردان که متولی انتخاب راهبرد مناسب توسعه اقتصادی برای جامعه می باشند، در انتخاب ابزار و نهادهای مناسب در راهبردها ناگزیر باید به کارکردها و تأثیر آن‌ها بر پیش زمینه‌ها و اهداف راهبردها توجه نمایند. راهبردهای توسعه اقتصادی به یک اعتبار به راهبردهای پولی، اقتصاد آزاد، صنعتی، انقلاب سبز، سوسیالیستی و توزیع مجدد درآمدها تقسیم پذیرند. راهبردهای پولی، اقتصاد آزاد، صنعتی و انقلاب سبز به راهبردهای ناظر بر رشد مشهورند. در آن‌ها گفته می شود که توزیع مناسب درآمدها موجب کاهش پس انداز و سرمایه گذاری و در نتیجه کاهش رشد می شود و با توجه به تأثیر مثبت قرض الحسنه بر توزیع مناسب درآمدها نمی توان از این نهاد به عنوان ابزار مناسبی در راهبردهای ناظر بر رشد بهره جست، بلکه صرفا ممکن است از آن به عنوان ابزار حاشیه ای برای کاهش برخی آثار منفی این راهبردها استفاده کرد.

در راهبردهای توزیع مجدد خصوصا راهبرد تأمین نیازهای اساسی، نهاد قرض الحسنه می تواند به عنوان ابزار مفید و کارا عمل کند. چنانکه در ادبیات مربوط به این راهبرد با صراحت بر قرض‌های بدون بهره و کم بهره تأکید شده است.

فهرست منابع و مآخذ

ـ ابوالحسن، (۱۳۹۰)، بحران مالی جهان و بانکداری اسلامی، سایت رسمی صندوق بین المللی پول، ش ۱۱۵، ۱۹-۲۴.

ـ پیروز، علی‌آقا و دیگران (۱۳۸۴)، مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ـ توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، "پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری"، توانگران، ش ۴۳.

ـ حبیبیان نقیبی، مجید(۱۳۸۱)، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی فصلنامه نامه مفید، دوره ۸، شماره ۳۱، ۱۵۰-۱۲۳.

ـ حرّ، خلیل (۱۳۷۶)، ؛ فرهنگ لاروس؛ ترجمه سید حمید طبیبیان؛ امیر کبیر، چ ۷، .

ـ حسن زاده، علی و مسعود فوز مسلمیان (۱۳۸۹)، "ارزیابی عملکرد بازار اوراق اسلامی صکوک در خلال بحران مالی جهانی"، تازه های اقتصاد، ش ۱۲۷، ۸.

ـ خورشید، احمد (۱۳۷۴)، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی؛ ترجمه محمدجواد مهدوی؛ بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی؛ چ ۱.

ـ سبحانی، حسن(۱۳۷۷)، بررسی ادله عدم حضور موثر نظام بانکی در بازارهای مالی". مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۳۷۳-۳۶۳.

ـ شادپور، کامل (۱۳۷۲)؛ مقدمه ای بر دیدگاه نیازهای اساسی بشر؛ مجموعه مقاله های سمینار جامعه شناسی و توسعه؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

ـ صدر، سید کاظم (۱۳۷۰)، برسی مشکلات ناشی از اجرای عقود اسلامی در عملکرد بانکداری بدون ربا، مجموعه سخنرانی ها و مقالات سومین سمینار بانکداری اسلامی، مؤسسه بانکداری ایران، تهران

ـ صمصامی، حسین و توکلی، امیرحسین (۱۳۹۱)، اثر اجرای بانک‌داری بدون ربا بر سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و تورم در ایران، سال سوم، شماره دوم، پیاپی ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صفحه ۷۷ ۹۶.

ـ طبیبیان، سیدمحمد و ساسان گهر، پرویز(۱۳۸۴)، مجموعه مقالات شانزدهمین همایش بانکداری اسلامی(بانکداری بدون ربا در همگرایی با بانکداری بین المللی)، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

ـ عیوضلو، حسین و میسمی، حسین (۱۳۸۷)، بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف، اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۳۱، ۱۹۱-۱۶۱.

ـ فراهانی فرد، سعید؛ فشاری، مجید و خانزاده، یاور(۱۳۹۴)، تاثیر مؤسسات مالی بانکی و غیربانکی اسلامی بر رشد اقتصادی ایران طی دوره‌ی زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۲ (رهیافت گشتاور تعمیم یافته(**GMM**)، دوره ۹، شماره ۳۱، صفحه ۲۱-۴۱.

ـ فرجادی، غلامعلی(۱۳۷۲)؛ توسعه و نیازهای اساسی؛ مجموعه مقاله های سمینار جامعه شناسی و توسعه؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

ـ قرشی، سیدعلی اکبر(۱۳۸۳)؛ قاموس قرآن؛ دار الکتب الاسلامیهٔ، تهران.

ـ قلیچ(۱۳۹۱)، "فرصتی برای بانکداری اخلاقی"، فصلنامه تازه های اقتصاد، ش ۱۳۶، ۱۵۲-۱۵۴.

ـ کانث، راجانی(۱۳۸۴)؛ الگوهای نظری در اقتصاد توسعه؛ ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)؛ نشر دیدار، چ ۱، اول.

ـ موسویان، سیدعباس و ورمزیاری، بهزاد (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر بانکداری بدون ربا بر رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴، ۲۹-۵۲.

ـ میاندار اصفهانی، ر(۱۳۹۴). بررسی نقش عوامل خرد و کلان بر مطالبات معوق بانک سامان از دیدگاه رؤسا و مدیران تسهیلات شعب شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه خوراسگان.

ـ ندری، کامران و قلیچ، وهاب و میسمی، حسین(۱۳۹۲)، " نقش نظام بانکداری اسلامی در کاهش زمینه‌های ایجاد بحران های مالی"، فصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای اقتصاد ایران"، ش ۱۹، ۹-۴۰.

ـ نظرپور، محمد تقی و رضایی، فاطمه و خزایی، ایوب (۱۳۹۱)، " تأثیر بحران اقتصادی جهان بر بانکداری اسلامی"، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۴۲، ۱۸۰-۱۴۹.

ـ نظیفی، فاطمه (۱۳۸۳)، توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۴، ۱۳۰- ۱۱۰.

ـ هانت، دایانا (۱۳۸۶)؛ نظریه های اقتصادی توسعه؛ ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)؛ سالن خدمات نشر دهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران؛ چ ۱.

ـ هدایتی، سیدعلی‌اصغر و همکاران(۱۳۸۱)، مجموعه مقالات هفتمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری.

__ Chortareas, G. E. , Garza-García, J. G. and Girardone, C. (2011). "Financial Deepening and Bank Productivity in Latin America". The European Journal of Finance 17(9-10): 811-827.

__ Ebrahim, M. S. , Jaafar, A. , Omar, F. A. , Salleh, M. O. (2016). Can Islamic injunctions indemnify the structural flaws of securitized debt? Journal of Corporate Finance 37, 271–286.

__ Harrison, P. , O. Sussman and J. Zeira. (1999). Finance and Growth: Theory and Evidence, Washington, DC, Federal Reserve Board (Division of Research and Statistics), mimeo.

__ Hasanov F, Huseynov F. (2013). Bank credits and non-oil economic growth: Evidence from Azerbaijan. International Review of Economics and Finance, 27, 597–610.

__ Hsieh, C. , and Klenow, P. (2007). "Misallocation and Manufacturing TFP in China and India". NBERWorking Paper 13290, National Bureau of Economic Research: Cambridge, USA.

__ Jedidia Khoutem D. B. (2014). Islamic Banks-Sukuk Markets Relationships and Economic Development: The case of the Tunisian post-revolution economy. Journal of Islamic Accounting and Business Research, 5 (1): 47 – 60.

__ Kenourgios D. and Samitas A. (2007), Financial Development and Economic Growth in a Transition Economy, Journal of Financial Decision Making, 3, 1: 35-48.

__ King, R. , and Levine, R. (1993). "Finance and Growth: Schumpeter Might Be Right". Quarterly Journal of Economics 108(3): 717–37.

__ Levine, R. , Loayza, N. and Beck, T. (2000). "Financial Intermediation and Growth: Causality and Causes". Journal of Monetary Economics 46(1): 31–77.

__ Merton, R. C. and Bodie, Z. (1995). A Conceptual Framework for Analyzing the Financial Environment in the Global Financial System: A Functional Perspective, Eds.: Dwight, B. , et al. , MA: Harvard business School Press, Boston.

__ Parashar, Sat Paul & Jyothi Venkatesh; (2010) , “Haw did Islamic banks do dyring global financial Crisis?”; Banks and Bank Systems, Vol 5, Issue 4.

__ Restuccia, D. , and Rogerson, R. (2007). "Policy Distortions and Aggregate Productivity with Heterogenous Plants". NBER Working Papers 13018, National Bureau of Economic Research: Cambridge, USA.

__ Siddiqi, M. N. (2009). “the current financial crisis and Islamic economics”, Journal of economics & management 16, no. 2.

__ Trablesi, M. (2002), "Finance and Growth: Empirical Evidence from Developing Countries, (1960-1990)", University of Montral.